

کارکرد تصویر هنری در سور مسبحات

محمد جواد سعدی *

سید مصطفی مناقب **

رحمت الله عبدالله زاده ***

محمد هادی امین ناجی ****

قاسم جعفری *****

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۲۱

تاریخ تأیید: ۱۳۹۳/۴/۲۱

چکیده:

تصویرگری و تصویرپردازی یکی از وجوه اعجاز هنری قرآن کریم بشمار می‌رود. قرآن کریم با بهره‌گیری از آواها، حروف، واژگان و ترکیبات موجود، در ذهن مخاطبان خود تصویری زنده و پویا از تمام پدیده‌ها به نمایش گذاشته است که با ذهنی آفرینش‌گر و موهبتی الهی می‌توان تصاویر موجود در آیات را درک نمود. تصاویر قرآن همه دارای معیار است و رکن اصلی همه این تصاویر، هماهنگی آن‌ها با هدف هدایتی قرآن است که برای فهم بهتر این تصاویر باید به الفاظ و دلالت‌های لغوی و معنوی آن‌ها و نواخت موسیقایی جملات و صورت‌ها و سایه‌های الفاظ هم‌آهنگ توجه نمود. یکی از زیباترین تصویرگری‌ها و تصویرسازی‌های قرآن کریم، در سوره مسبحات (اسراء، حدید، حشر، صف، جمعه، تغابن و اعلی) متجلی است.

باید گفت وحدت اندیشه با اهتمام به تسبیح و تحمید و جایگاه ویژه پیامبر و اهل بیت(ع)، انفاق و نقش برجسته آن در کمال آدمی، در سایه دو صفت حکیم و عزیز بر تصاویر این سوره حاکم است و هر یک از این تصاویر در عین برخوردارگی از یک استقلال شخصیتی، واجد نوعی ارتباط درونی با سایر تصاویر است. این مقاله به بخشی از اعجاز قرآن کریم از مجرای کارکرد تصویر هنری سوره مسبحات پرداخته است. در تصویرگری‌های سوره مسبحات تسبیح خدای متعال از سوی تمامی موجودات به شکل واضح نمایان است و از سوی دیگر عزت و حکمت، رنگ غالب این تصاویر می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: سوره مسبحات، تصویرسازی هنری، اعجاز قرآن، پیامبر، اهل بیت، عزیز، حکیم، انفاق.

* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه پیام نور m_sadi@pnu.ac.ir

** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه پیام نور falsafe_42@yahoo.com

*** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه پیام نور abdollahzadeh_arani@yahoo.com

**** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه پیام نور ma_najee@pnu.ac.ir

***** دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور (نویسنده مسول) jafariqasem@yahoo.com

مقدمه

مهم‌ترین معیار و اساساً رکن اصلی همه معیارهای مربوط به حوزه تصویرسازی هنری قرآن کریم هم آهنگ بودن با هدف هدایتی قرآن است. یکی از ویژگی‌های مهم تصویر در قرآن، چند بعدی بودن آن است و لذا در تصویر پردازی آیات قرآنی باید به الفاظ و دلالت‌های لغوی آنها و دلالت معنوی ناشی از اجتماع الفاظ و تربیت یافتگی آنها با سیاق معین و نواخت موسیقایی ناشی از مجموعه نواخت‌های الفاظ هم ساز با یکدیگر و همچنین صورتها و سایه‌هایی که الفاظ هم آهنگ در عبارت آمده است، باید توجه نمود.

قرآن به عنوان معجزه ادبی و هنری بزرگ، دارای حلاوتی خاص و آهنگی دلپذیر است. آهنگی که موحدان عالم و مؤمنان را به شوق می‌آورد، از ترس خدا لرزه بر اندامشان می‌اندازد و زنگ غفلت را از دل‌هایشان می‌زداید، در این میان آفرینش تصاویر شگفت آور هنری قرآن، مهم‌ترین وجه اعجاز قرآن است و مجموعه الفاظ و آیات، ریشه در این تصویر آفرینی دارد (پیری سبزواری، ۱۳۸۰ش: ۱۸).

سیمای جذّاب قرآن باعث شد مردم حجاز پیرامون پیغمبر اسلام (ص) جمع شوند و به نوای دلنواز قرآن گوش فرا دهند و قلب خویش را با زلال وحی بشویند (تجلیل، ۱۳۶۵ش: ۱۶). آنان که به زبان و لغت و شعر و خطبه و بیان خویش می‌بالیدند، به راحتی و سهولت دریافتند که قرآن چیز دیگری است، شیرینی و حلاوتی دارد که در جان‌ها نفوذ می‌کند و آنان را به وجد می‌آورد. آنان در پیشگاه قرآن خاضع گشته، سر تسلیم فرود آوردند... عظمت قرآن در پیش چشم آنها مجسم شد و یک کلمه از آن به مقدار یک قصیده و یا یک خطبه مهم در دل آنها تأثیر کرد (رافعی، ۱۳۶۱ش: ۱۳۶-۱۳۵). این مقاله در صدد این است که چه

رابطه‌ای بین تصویر هنری قرآن در سوره مسبّحات و تأثیرگذاری روحی و معنوی در مخاطب دارد؟ و آیا بین این سوره‌ها وجه مشترکی وجود دارد؟ و اگر چنین است آن وجه مشترک چیست؟

با تأمل دقیق در آیات سوره مسبّحات می‌توان دریافت که تصاویر هنری بکار رفته در این سوره به حدی از قوّت لازم برخوردار هستند که می‌توانند مخاطب را به اعجاز و الهی بودن آیات نازله اطمینان خاطر ببخشند و به وضوح می‌توان صفت حکمت و عزت را در این سوره مشاهده نمود.

پیشینه تحقیق:

تحقیق و پژوهش در مورد ساختار زبان شناسی و کارکرد هنری و جنبه‌های زیباشناختی قرآن - طبق آثار به جامانده - از قرن دوم مورد اهتمام قرآن پژوهان بود. توجه ویژه به انواع مجازها، تشبیهات، استعاره‌ها، و زبان قرآن از دغدغه‌های مسلمانان قرن‌های آغازین اسلامی بوده است، چرا که آثاری چون معانی القرآن از فرّاء (م. ۲۰۷ق)، تأویل القرآن از ابوعبیده مُعَمَّر بن مُثَنّی (۱۱۴-۲۱۰ق) و بررسی جنبه‌های بیانی اعجاز در آثاری چون-النکت فی اعجاز القرآن، اثر علی بن عیسی رمانی (د. ۳۸۴ق) و بیان اعجاز القرآن، اثر ابوسلیمان حمد بن محمد خطّابی (د. ۳۸۸ق) و دلائل الاعجاز از عبدالقاهر جرجانی (د. ۴۷۱ق)، نمونه‌های اندکی از این کوشش‌هاست. از میان مفسران نیز افرادی چون زمخشری (م. ۵۳۸ ق) در تفسیر الکشاف به جنبه‌های زیبا شناختی پرداخته‌اند.

اگر چه بحث مربوط به اعجاز بیانی قرآن، اعم از تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه و نظایر آن مورد توجه قرآن پژوهان متقدّم بود، و همچنین تحقیق و پژوهش در مورد ساختار زبان شناسی و کارکرد هنری و جنبه‌های زیباشناختی قرآن از قرن دوم مورد توجه قرار گرفت. و

اندیشمندان قرآنی اینست که تعداد مسبحات، هفت سوره می‌باشد؛ سوره اسراء: «سبحان الّذی اسرى بعده لیلا من المسجد الحرام الی المسجد الاقصى»، سوره حدید: «سَبِّحْ لِلّٰهِ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَ الْاَرْضِ»، سوره حشر: «سَبِّحْ لِلّٰهِ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِی الْاَرْضِ»، سوره صف: «سَبِّحْ لِلّٰهِ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِی الْاَرْضِ»، سوره جمعه: «یُسَبِّحُ لِلّٰهِ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِی الْاَرْضِ»، سوره تغابن: «یُسَبِّحُ لِلّٰهِ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِی الْاَرْضِ» و سوره اعلی: «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّکَ الْاَعْلٰی» (حجتی، ۱۳۶۸: ۱۱۵).

البته عده‌ای آمدن واژه ی فعل ماضی «سَبِّح» و فعل مضارع «یُسَبِّح» را معیار شمارش سور مسبحات قلمداد کرده‌اند و برخی نیز کنار هم بودن و نزدیک هم بودن سور مسبحات را ملاک شمارش تعداد سور مسبحات به حساب آورده‌اند که به نظر می‌رسد از قوت لازم برخوردار نیست (یداله پور، ۱۳۸۷: ۱۳۸).

آیت الله معرفت دو سوره «فرقان» و «ملک» را که با تبارک آغاز شده‌اند، در شمار این گروه قرار داده‌است و مجموع سور مسبحات را نه تا به شمار آورده‌اند (معرفت، ۱۳۷۵: ۲۹۳/۵). علامه طباطبائی شمار سور مسبحات را پنج سوره، حشر، صف، جمعه، تغابن می‌داند که با فعل ماضی «سَبِّح» و مضارع «یُسَبِّح» آغاز شده‌اند (طباطبائی، ۱۴۰۳: ۱۹/۱۲۳).

«صاحب مرآة العقول» از «صاحب التهذیب»، سور مسبحات را سوره‌هایی می‌شمارد که با «سَبِّح» یا «یُسَبِّح» آغاز شده‌اند (مجلسی، ۱۳۶۳: ۵۰۸/۱۲).

اما سیوطی در نوع «شصتم کتاب الاتقان»، شمار سور مسبحات را هفت عدد می‌داند که با مصدر «سبحان» در سوره ی اسراء و با فعل ماضی «سَبِّح» در حدید، حشر و صف و با فعل مضارع «یُسَبِّحُ» در جمعه و تغابن و با فعل امر «سَبِّح» در سوره اعلی آمده‌است که این واژه را

اما بحث تصویرپردازی هنری قرآن با این عنوان سابقه طولانی ندارد، پرداختن به موضوع کارکرد هنری قرآن کریم بیشتر به دهه‌های اخیر بر می‌گردد. اولین کسی که دیدگاه موسیقیایی و هنری قرآن را مطرح کرد، شیخ مصطفی صادق الرفعی از علمای مصر بود که کتابی با عنوان «اعجاز القرآن و البلاغه النبویه» تألیف کرد، و سپس متأخرین نیز در معرفی جوانب مختلف آن آثار خوبی به جای گذاشته‌اند. سید قطب تصویرپردازی فنی و هنری قرآن را با تألیف کتاب «التصویر الفنی فی القرآن الکریم»: آفرینش هنری در قرآن کریم» «بارور ساخت و مکتبی تحت همین عنوان به منظور پژوهش‌های ادبی در قرآن معرفی نمود و به پردازنده اصلی نظریه آفرینش هنری (التصویر الفنی) معروف گردید (یوسف العظم، ۱۴۰۰: ۱۴۹ به بعد) و پس از او دانشمندان دیگر نظریه او را گسترش و توضیح دادند. این دیدگاه معتقد است که قرآن با کلماتی، صورت پردازی شده‌است که انسان می‌تواند صحنه‌ها را از پشت پرده کلمات و صداها ببیند (سعدی، ۱۳۸۸ش: ۱۰۵). البته مقالات متعددی از قرآن پژوهان معاصر در این زمینه به چاپ رسیده‌است ولی مقاله حاضر موضوعیت قرآن و جایگاه رسالت و خاندان پیامبر اکرم(ص) و انفاق وصف عزت و حکمت را با محوریت تسبیح خدای متعال به عنوان مهمترین وجوه مشترک سور مسبحات در جنبه نوآوری این تحقیق مورد تأکید قرار می‌دهد.

در اینجا برای روشنی جوانب بحث، لازم است تعریف مختصری از مفاهیم اصلی مربوط به موضوع تحقیق ارائه دهیم.

الف) سور مسبحات:

گروهی از سوره‌های قرآن مجید که با تسبیح آغاز شده‌اند را سور مسبحات نام نهاده‌اند. مشهور نزد

از همه جهات در بر گرفته است (سیوطی، ۱۳۶۳: ۳۶۱/۳).

(ب) تصویر پردازی هنری

مراد از کارکرد هنری، آفرینش یا ابداع ذهن هنرمندی است که بر اساس لطف طبع خود می‌تواند از نکات باریک موجود در صورت‌های کپی شده در ذهن خود آگاه شود و با استفاده از ابزار سخن گفتن، نوشتن، نقاشی کردن و غیره آن را ارائه کند. تصویر سازی هنری در روش قرآن یک ابزار برتر است، طوری که با تصویر حسی - خیالی، معنای ذهنی، حالت روانی، رخداد محسوس، صحنه دیدنی، آرمان انسانی و طبیعت بشری را بیان می‌کند، سپس تصویری را که ترسیم می‌کند، ارتقاء می‌دهد و به آن حیات ثابت یا حرکت تکرار پذیر می‌دهد.

سید قطب می‌گوید: «جایز نیست هر برداشت شاعرانه و خیال انگیز را به عنوان تصویر سازی هنری در قلمرو قرآن تلقی نماییم چون هر گام و قدم و قلم و نفسی که در این راه ظهور و بروز پیدا می‌کند باید با هدف اصلی قرآن هم‌آهنگ باشد و لذا مهم ترین معیار و اساساً رکن اصلی همه معیارهای مربوط به حوزه تصویر سازی هنری قرآن کریم باید هم‌آهنگ و با هدف قرآن و عدم تعارض و تضاد با اصول و مبانی دینی باشد» (سید قطب، ۱۳۸۸ش: ۵۹).

وجه اعجاز تصاویر شگفت آور هنری قرآن از آن جهت است که تصاویر قرآن مسطح نیستند، طوری که با نگاهی گذرا و اجمالی به ظاهر آنها بتوان ادعا داشت که به جای نمایه و همه هستی آنها اطلاع حاصل شده است (همان: ۱۸) مهم اینکه این تصاویر، بی روح نیستند بلکه پویا و متحرکند و مهم تر اینکه این تصاویر جدا جدا و منفرد نیستند بلکه هماهنگ و هم نواختند (همان: ۲۰).

تصویر هنری در قرآن

تصاویر قرآن گاهی به تنهایی ماجرای عظیمی را در صحنه مورد نظر نمایش می‌دهند. بر تصاویر فنی و هنری قرآن کریم یک وحدت اندیشه حاکم است. زمینه اصلی تصویر هنری را انواع تشبیه، استعاره، اسناد مجازی و نظایر آن تشکیل می‌دهند. منظور از تصویر فنی و هنری عبارت است از ابزار با ارزش و با فضیلت در اسلوب فنی قرآن کریم برای بیان حقایق هستی (تجلیل، ۱۳۶۵ش: ۱۶). قرآن تصویر هنری را به منزله ابزاری برای بیان اهداف دینی یا اندیشه‌های اسلامی برمی‌گیرد (خاتون قدمی، ۱۳۸۹ش: ۵۱).

تصویر هنری در قرآن از بافت آن جدا نیست. تصویر در قرآن برای تصویر نیست، بلکه تصویر در خدمت بیان اندیشه دینی است (سیدی، ۱۳۸۷ش: ۱۱۰). البته هر برداشت شاعرانه و خیال انگیز، تصویر سازی هنری در قلمرو قرآن تلقی نمی‌شود. یکی از ویژگی‌های مهم تصویر در قرآن، چند بعدی بودن آن است. تصویر پردازی هنری قرآن کریم در ابتدای امر در مباحث بلاغی قرآن کریم تجلی یافت.

اکنون با دقت نظر به موارد مذکور، برخی از تصویر پردازی‌های زیبا و اعجاب انگیز و جذّاب سُوَر مسبّحات با بهره گیری از روش توصیفی به تصویر کشیده می‌شود تا بخش دیگری از الفاظ و عبارات اعجاز انگیز این معجزه‌ی خالده و وحی روشننگر الهی نمایان شود.

تصویر پردازی هنری تسبیح در سُوَر مسبّحات

مهمترین تصویر پردازی فنی همه سُوَر مسبّحات، گونه‌های متعدد تسبیح در این سوره‌هاست به طوری که در یکجا مفهوم عام تسبیح با هیأت مصدر و مفعول مطلق نوعی به کارگیری شده است مانند: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ...» (الإسراء/۱) و جای دیگر با آوردن فعل

تسبیح می‌گویند و هیچ چیز نیست مگر اینکه در حال ستایش، تسبیح او می‌گوید، ولی شما تسبیح آن‌ها را در نمی‌یابید. صاحب کشاف می‌گوید «تصویر این تسبیح کیهانی به این شکل هیجان آور بر آفریننده و قدرت و حکمتش دلالت دارد، گویی به این شیوه سخن می‌گوید و در حقیقت به تنزیه خداوند از شریکان و غیر آن می‌پردازد (زمخشری، ۱۴۲۱ ق: ۴۵۱/۲).

زمخشری در توضیح این تصویر می‌گوید: اگر پرسش شود با این عبارت، «ولکن لاتفقهون تسبیحهم» چه باید کرد، حال آنکه این تسبیح پیدا و قابل درک است؟ پاسخ آن است که خطاب آیه در اینجا مشرکانند و اگر از آن‌ها درباره‌ی آفریننده آسمان‌ها و زمین پرسش شود، همه می‌گویند خداوند! اما چون شریکانی برای او قائل شدند، گویی به الوهیت او اقرار نکرده‌اند، چون نتیجه‌ی نگرش درست، اقرار کردن است بر خلاف آنچه که اعتقاد داشتند (زمخشری، ۱۴۲۱ ق: ۴۵۱/۲). «عبدالسلام احمد الراغب» می‌گوید: این تسبیح حقیقی است نه مجازی (راغب، ۱۳۸۷ ش: ۲۶۰-۲۵۹) و «صاحب من اسرار البیان القرآنی» می‌گوید: سوره اسراء با تسبیح و تحمید محاصره شده‌است.

کامل‌ترین نوع تسبیح را در میان سوره مسبحات، در سوره‌ی اسراء مشاهده می‌کنیم چرا که آغاز سوره با کلمه‌ی تسبیح و آن هم به صورت مصدر آمده تا دربرگیرنده هر نوع تسبیح خارج از زمان و مکان باشد و فرمود: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ» و به دنبالش فرمود: «سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا» (الإسراء/۴۳) و بعد فرمود «تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُ وَ مَنْ فِيهِنَّ» (الإسراء/۴۴) آسمان‌های هفتگانه و زمین و هر کس که در آن‌هاست او را تسبیح می‌گویند، و هیچ چیز نیست مگر اینکه در حال ستایش، تسبیح او می‌گوید، ولی شما تسبیح آن‌ها را در نمی‌یابید. و بعد با

ماضی و فاعلیت تمام موجودات عالم، به اتقان موضوع تأکید دارد مانند: «سُبِّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ...» (حدید/۱؛ حشر/۱؛ صف/۱) و در دو سوره بعدی با بکارگیری فعل مضارع، استمرار به تسبیح و تقدیس را از سوی تمامی موجودات عالم به زیبایی تمام به تصویر کشیده‌است مانند: «يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ...» (جمعه/۱؛ تغابن/۱) و در مکان دیگر با آوردن صیغه امر، به خاطر اهمیت موضوع، بهترین بنده خود را به تسبیح پروردگار بلندمرتبه امر می‌کند مانند: «سُبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» (اعلیٰ/۱) و در پایان امر در یک جمع بندی جامع، ضمن تأکید بر همه موارد تسبیح به وسیله تمامی موجودات سماوی و ارضی، اعلام می‌دارد که خدای متعال، مقدس و منزّه از همه آن چیزهایی است که شما نسبت به تسبیح آن مشغول هستید، آنجا که فرمود: «و منزّه و بلند مرتبه است از آنچه در باره‌اش می‌گویند و او برتر و بالاتر است * هفت آسمان و زمین و هر چه در آنهاست تسبیحش می‌کنند و هیچ موجودی نیست جز آنکه او را به پاکی می‌ستاید، ولی شما ذکر تسبیحشان را نمی‌فهمید، او بردهار و آمرزنده‌است؛ «سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا * تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُ وَ مَنْ فِيهِنَّ وَ إِنْ مِّنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لَكِن لَّا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا» (الإسراء/۴۴-۴۳).

تصویر قرآن در ترسیم صحنه‌های هستی در حالت تسبیح خداوند، زیباترین شکل هندسی را به خود اختصاص داده‌است، تا این که در احساس آدمی ترس و خشوع در برابر صحنه‌ها می‌افکند (راغب، ۱۳۸۷: ۲۵۹)، آنجا که می‌فرماید: «تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُ وَ مَنْ فِيهِنَّ وَ إِنْ مِّنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لَكِن لَّا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ» (الإسراء/۴۴)، آسمان‌های هفت گانه و زمین و هر کس که در آن‌هاست او را

اسراء، تأثیر قرآن را بر نفوس کفار و با استناد به آیه ۲۱ سوره حشر و آیه ۱۶ سوره حدید، تأثیر قرآن را بر جان‌های سالم ثابت می‌کند (خطابی، ۱۳۸۸ش: ۱۱۱).

یکی دیگر از وجوه مشترک سوره مسبّحات در به تصویر کشیدن جایگاه عظیم رسول گرامی اسلام (ص) و اهل بیت پیامبر (ص) است. در آیات ۱، ۸ و ۱۶ سوره اسراء به عظمت روحی و وجودی رسول اکرم (ص) بر سایر انبیاء و هادی بودن کتاب رسول خدا و منجی بودن پیامبر (ص) در برابر عذاب الهی به عنوان چتر نجات آدمی اشاره دارد. و در آیات ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۲۹، ۳۶ و ۳۷ این سوره، به هدایت تشریحی و متخلّق ساختن پیامبر به بالاترین صفات اخلاقی تأکید می‌ورزد. و در آیات ۷۸، ۷۹ و ۸۰ بعد از وجوب اعمال عبادی؛ به وسیله نماز شب، پیامبر (ص) را به مقام محمودیت ارتقاء می‌بخشد و در نتیجه او را با گل‌های معطر بوستان اسوه حسنه زینت می‌بخشد.

در آیات ۷، ۸، ۱۹، ۲۱، ۲۵، ۲۷ و ۲۸ سوره حدید، ایمان به خدا و برخورداری از تقوی را منوط به پذیرش رسالت کرده‌است. و صداقت، انفاق و بهره مندی از بهشتی که به وسعت آسمانها و زمین است و سعادت جاودانه را، به تبعیت از رسالت پیامبر (ص) و انبیاء (ع) گره زده است.

در آیات ۴، ۶، ۷ و ۸، مخالفت با پیامبر (ص) را در هاله‌ای از عذاب و چیره شدن انبیاء را بر همگان به مشیت حق تعالی، و اختصاص انفال را به پیامبر (ص)، به بهترین وجه تصویر نمایی می‌کند. و در آیات ۵، ۶ و ۱۱ سوره صف، آزار انبیاء را مایه عذاب و رسالت پیامبر اسلام (ص) بعد از عیسای مسیح را، موجب امیدواری بشریت و ایمان به پیامبر (ص) را همتراز ایمان به خدا و جهاد در راه خدا با مال و جان، با طراوت تمام به تصویر می‌کشد. و در آیه ۱ سوره جمعه، تلاوت آیات

گسترده‌ترین اطلاق که هماهنگی با تسبیح آغازین سوره دارد فرمود: «...وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَأَنْتَفَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ...» (الإسراء/۴۴) و پایان سوره را نیز با حالت مصدری تسبیح به پایان رسانید تا اعلام کند «تسبیح»، تصویر همه گیر و جامع این سوره مبارکه است که فرمود: «... سُبْحَانَ رَبِّيَ هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا» (الإسراء/۹۳) و «وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعَدُّ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا» (الإسراء/۱۰۸). و لذا ملاحظه می‌شود که تصویر کلی و فنی این سوره با تسبیح خداوند شکل می‌گیرد (سامرائی، ۱۴۳۱: ۲۰۳-۲۰۴).

۱- تصویر پردازی هنری جایگاه قرآن و رسول اکرم

(ص) در سوره مسبّحات

خدای متعال در آیه ۹، سوره اسراء، قرآن را بهترین هادی به مسیر درست و استوار معرفی می‌نماید «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ...» و در آیه ۴۱ با تصویر پردازی جذاب، قرآن را به ظرف پر از سخنان نغز برای پندپذیری مؤمنان و رمیدن کفار تعبیر کرده‌است و در آیه ۴۵، قرآن را حجاب حائل میان پیامبر (ص) و کفار ترسیم نموده و در آیه ۸۲، قرآن را موجب شفاء و رحمت و آسایش مؤمنان و غواصی کفار در زیان و خسارت به تصویر کشیده‌است. و اما در آیه ۸۸، تحدی و مبارزه طلبی با همه معاندان، اعم از جنیان و انسان‌ها را در اوج فصاحت و بلاغت و بالندگی به رخ عالمیان کشیده‌است. و در آیه ۱۰۶، قطعیت انزال قرآن را به خود منسوب ساخته و پیامبر خودش را نسبت عدم شتاب در قرائت فرا خوانده‌است. و همین طور آیات ۹ و ۱۶ سوره حدید و آیه ۲۰ سوره حشر و آیات ۶ صف و آیه ۲ و ۵ سوره جمعه و آیه ۸ سوره تغابن و آیه ۵ سوره اعلی، هر کدام از زاویه‌ای زیبا و اعجاب انگیز، قرآن و جایگاه والای آن را تصویر نمایی می‌کنند. از خطابی نقل شده است که با استناد به آیات ۴۱ و ۴۶ سوره

اجابت دعا و ریسمان الهی برای تقرّب به حق تعالی معرفی می‌نماید و در آیه ۸۱ «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ...» حضرت امیر(ع)، نماد بارزی از حق معرفی شده است که توانست بت هبل را از بالای کعبه به زیر اندازد و در جنگ خندق بر عمرو بن عبدود چیره شود(جعفری، ۱۳۸۱ش: ۱۹۰-۱۸۴).

در آیه ۱۶۹ سوره حدید «...أَوْلَيْتَكَ هُمُ الصّٰدِقُونَ...» علی (ع) مصداق حقیقی «الصّٰدِقُونَ» معرفی شده است و در آیه ۲۸ «...يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِي...» مقصود اصلی از «كِفْلَيْنِ»، امام حسن و امام حسین علیهما السلام و منظور از «... نُورًا تَمْشُونَ بِهِ...» در همین آیه، علی بن ابیطالب (ع) می‌باشد (همان: ۳۲۸-۳۲۶) و آیه ۹ سوره حشر «...وَيُؤْتِرُونَ عَلِيَّ أَنْفُسِهِمْ...» بلندترین اوج ایثار اهل بیت (ع) را به تصویر می‌کشد. و در آیه ۱۰ این سوره «...الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ...» علی(ع) شاخص ترین فرد در سبقت به ایمان معرفی شده است (همان، ص ۳۲۶-۳۲۵). و در آیه ۴ سوره صف «...الَّذِينَ يَقْتُلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا...» حضرت امیر(ع)، به عنوان بارزترین این جنگ جویان جلوه نمایی شده است (همان: ۳۳۸). و در آیه ۲ سوره جمعه «... يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ...» منظور از «الحكمة»، ولایت علی بن ابیطالب (ع) با زیبایی تمام به تصویر در آمده است (همان: ۳۳۹). و لذا تصویر گری خاندان پیامبر در این آیات با صفات در خور آنان مدّ نظر خدای متعال در این سوره‌هاست.

۳- تصویر پردازی هنری صفت عزیز حکیم در سوره مسبّحات

یکی از محوری ترین تصویر کارکرد هنری و فنی سوره مسبّحات، به تصویر کشاندن عزّت و حکمت خدای متعال در این سوره است. واژه عزیز که از اسماء حسناى خداوند است به معنی توانا و قادر، و عزیز کسی است که

الهی و آموزش و پرورش و حکمت آموزی را در قامت پیامبر(ص) متجلی می‌سازد.

در آیات ۶، ۸ و ۱۲ سوره تغابن، انبیاء را مجهز به بینات و دلایل روشن معرفی کرده و همراهی رسالت را با نور و روشنایی و اطاعت خدا، ترسیم می‌نماید. و در آیات ۱، ۶، ۹ و ۱۵ سوره اعلی نیز با خطابات زیبا و امید بخش، پیامبرش را به تسبیح پروردگار متعال، خالق، مسوئی، مقدر، هادی... امر می‌کند تا اینکه امور را بر او آسان نماید. و سپس او را موجب تذکار بشریت و منفعت بی پایان آن فرا می‌خواند تا بدین وسیله اهل خشوع را از اهل شقاوت باز ستاند و در نهایت فلاح را از آن تزکیه کنندگان و نماز گزاران می‌شمارد و همه این ها در حلقه‌های متصل به هم به شکلی فنی و حساب شده به تصویر در آمده‌اند.

در نتیجه آیات ۱۵، ۵۴، ۷۷، ۹۴ و ۱۰۵ سوره اسراء و آیات ۷، ۸، ۱۹، ۲۱، ۲۵، ۲۶، ۲۷ و ۲۸ سوره حدید و آیات ۴، ۶، ۷ و ۸ سوره حشر و آیات ۵، ۶ و ۱۱ سوره صف و آیه ۲ سوره جمعه و آیات ۶، ۸ و ۱۲ سوره تغابن به رسالت انبیاء به طور عام و رسالت رسول گرامی اسلام (ص) به طور خاص اشاره دارند.

۲- تصویر پردازی هنری اهل بیت (ع) در سوره مسبّحات

اگر چه به ظاهر در هیچ جای قرآن و از جمله سوره مسبّحات، نامی از اهل بیت پیامبر(ص) به صراحت بیان نشده است اما به مصداق قاعده جری و تطبیق، قابل تأویل است و لذا آیاتی از این سوره به جایگاه خاندان پیامبر(ص) می‌پردازد. در آیه ۲۶ سوره اسراء «وَأَتِذَا الْقُرْبَىٰ حَفَّتْ...» به حق حضرت فاطمه(س) و اعطاء فدک به آن حضرت تأکید دارد. و در آیه ۵۷ «أَوْلَيْتَكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَتَّبِعُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ...» پیامبر(ص) و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را وسیله

مغلوب نمی‌شود، «صاحب مجمع» واژه عزیز را چنین بیان می‌کند: توانائی است که مغلوب نمی‌شود و به قولی: کسی است که چیزی بر او ممتنع نیست^۱ (طریحی، ۱۳۷۵ش: ج ۴/۲۵).

حکیم کسی است که افعال خود را به بهترین وجه و از نزدیک‌ترین راه انجام می‌دهد و از هرگونه کار ناموزون و خلاف، پرهیز می‌کند، صاحب لسان العرب می‌گوید: «الحکم» حکمتی از علم است و «الحکیم» همان عالم و صاحب حکمت را گویند (ابن منظور، ۱۴۰۸ق: ۳). خدای متعال صفت عزت و حکمت خویش را با بهترین شکل در سوره مسبّحات تصویر نمایی می‌کند.

در سوره اسراء اگر چه واژه حکیم و عزیز مثل دیگر سوره مسبّحات در آیه آغازین نیامده است؛ ولی در آیات متعددی نظیر آیات ۲، ۵، ۱۰، ۱۲، ۱۷، ۱۸، ۳۱، ۳۹، ۴۶، ۵۰، ۵۱، ۵۶، ۷۱، ۷۵، ۸۱، ۸۶، ۹۷، ۹۹، ۱۰۸ و ۱۱۱ هرکدام به طریقی مبهوت کننده و دل انگیز، حکمت و عزت خداوند متعال را به تصویر کشیده‌اند. و این تصویرنمایی در هر سوره با ادبیاتی خاص مخاطب را به شگفت و می‌دارد به طوری که در آیه ۷ سوره اسراء با مفهوم احسان، «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ...»، و در آیه ۸ به معنای رحمت «عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمُ...»، و در آیه ۱۲ با مفهوم فضل «لَتُبْتَغُوا فِضْلًا مِّنْ رَبِّكُمْ...»، و در آیه ۱۵ با معنای ارسال رسل «...وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا»، و در آیه ۱۹ با مفهوم سپاسگزاری «...فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَّشْكُورًا» و در آیه ۴۳ در معنی سبحان و علو «سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُقُولُونَ غُلُوبًا كَبِيرًا» به تصویر کشیده شده است.

همچنین صفت عزت در آیه ۲ با مفهوم «... أَلَّا تَتَّخِذُوا مِن دُونِي وَكِيلاً»، و در آیه ۸ در معنی حصر جهنمیان «...وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا»، و در آیه ۱۰ با مفهوم عذاب کافران «...أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا»، و در آیه ۱۶ با معنای هلاک ساختن مترفان «... فَدَمَّرْنَا هَا تَدْمِيرًا»، و در آیه ۵۷ با ترسناک شمردن عذاب «...إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا»، و در آیه ۶۳ با مفهوم کامل نمودن کیفر «... فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاءُكُمْ جَزَاءً مَّوْفُورًا»، و در آیه ۸۱ با مفهوم نابود کردن باطل «...إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» به تصویر کشیده شده است. منظور از حق یعنی همه اسلام و دین، و منظور از باطل یعنی همه کفر و شرک (قشیری، بی تا: ۳۶۵/۲).

صفت حکمت و عزت در دیگر سوره مسبّحات نیز متناسب با مفهوم آیات هر سوره به زیبایی خاصی جلوه نمایی می‌کند. در سوره حدید، حشر، صف، جمعه و تغابن در کمال بخشی به تسبیح و تنزیه باریتعالی، بعد از واژه تسبیح قرار گرفته است (حدید/۱؛ حشر/۱؛ صف/۱؛ جمعه/۱؛ تغابن/۱). و در سوره حشر و تغابن، تمام آیات از ابتدا تا انتها با این دو صفت به تصویر کشیده شده است. در سوره اعلیٰ، خدای متعال با نسبت دادن همه امور به خودش، عزت و حکمت را جزء لاینفک صفات خود قرار داده است. در جدول زیر کارکرد فنی صفت عزیز و حکیم به اختصار نمایش داده می‌شود. لذا آیات ۱ و ۲۵ سوره حدید و آیات ۱، ۲۳ و ۲۴ سوره حشر و آیه ۱ سوره صف و آیات ۱ و ۳ سوره جمعه و آیه ۱۸ سوره تغابن از سوره مسبّحات به کاربرد صفت «عزیز و حکیم» متناسب با مضمون آیه اشاره می‌نماید.

۴- تصویر پردازی هنری انفاق در سوره مسبّحات

یکی از تصویر پردازی زیبای این سوره مربوط به انفاق و شرایط آن و کیفیت آن است به طوری که در آیه ۲۹

^۱ «و» العزیز" من أسمائه تعالی، و هو الذی لا یعادلہ شیء، أو الغالب الذی لا یغلب، و جمع العزیز عزاز مثل کریم و کرام.»

از جاودانگی عمل از سوی دنیا طلبان و تحقق وعده راستین الهی را ترسیم می‌نماید (سید رضی، ۱۴۰۷ق: ۳۲۷).

همین انفاق در آیه ۹ سوره حشر برای موحدین واقعی و راسخان در ایمان، در نقطه مقابل کسانی است که در سوره حدید از آنان ذکر شد. چرا که در اینجا استقرار ایمان در قلبشان، بسان استقرار و آرامش ایشان در وطنشان به تصویر کشیده شده است. و اینها یک درجه بیشتر از انفاق را پیشه خود ساختند که قرآن از آن به واژه «ایثار» یاد کرد «... وَ يُؤْتِرُونَ عَلٰی اَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ...»^۲ (همان: ۲۳۰).

در آیه ۱۱ سوره صف نیز در تکمیل عبارت فوق الذکر، انفاق جان و مال را به ایمان و جهاد و تجارت به تصویر کشیده است و سود آن را نجات از عذاب دردناک و ریسمان عروج ملکوتی انسان به کمال و سکوی یرتاب به حقیقت و وارستگی قلمداد نموده است «... وَ تَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ بِاَمْوَالِكُمْ وَ اَنْفُسِكُمْ...»^۳ (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۴۳۷/۱۹). انفاق در راه خدا به تصویر رایج «قرض» بیان می‌گردد. تصویر «قرض» با تصویر خرید و فروش و تصویر تجارت سودمند مرتبط می‌گردد و به جهان مادی و تعامل روزمره آدمیان وابسته است.

تصویر قرض دادن به خداوند در سبک قرآنی فراوان آمده است، چون تصویری است حسی و برگرفته از واقعیت زندگی آدمی که در ذهن و روانشان وجود داشته و بر معنای ذهنی دلالت دارد که با مجسم نمودن و محسوس و ملموس نمودن، موجب تأثیرگذاری بر اندیشه و روان و خیال می‌گردد به طوری که در سوره

سوره اسراء، قرآن کریم دست‌ها را، هم، رمز بخشش می‌داند و هم رمز بخل ورزیدن و گاه هم دریافت انفاق در راه خدا می‌داند آنجا که می‌فرماید: «وَ لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً اِلٰی عُنُقِكَ وَ لَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا»^۱ (الإسراء/۲۹). آلوسی می‌گوید: «گشادگی؛ یعنی اسراف مکن در عطا که پس بنشین، ملامت زده، سرزنش کرده، غمناک و حسرت زده باشی» (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۶۴/۸).

در اینجا بخل به «دستان بسته بر گردن» تصویر شده است و اسراف به «دستان گشاده» که هیچ چیز را در خود نگه نمی‌دارد سپس تصویر برای بخیل و اسرافگر، به صورت فرد نشسته و حسرت خورده مجسم می‌شود که توانایی پیگیری امور زندگیش را ندارد (سیدی ۱۳۸۷: ۱۳۵-۱۳۴). در آیه ۱۰ سوره حدید میان انفاق در سختی و گرفتاری و انفاق در گشایش و فراخی تفاوت اساسی قائل شده است و این را بهانه‌ای برای مقایسه میان صحابه و معیاری برای سنجش اعمال آنان قرار می‌دهد و می‌فرماید: «و چرا در راه خدا انفاق نمی‌کنید و حال آنکه از آن خداست میراث آسمانها و زمین؟ از میان شما آنان که پیش از فتح انفاق کرده و به جنگ رفته با آنان که بعد از فتح انفاق کرده‌اند و به جنگ رفته‌اند برابر نیستند، درجات آنان فراتر است. و خدا به همه، وعده نیک می‌دهد. و به هر کاری که می‌کنید آگاه است، «وَ مَا لَكُمْ اَلَّا تَتَّقُوا فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَ لِلّٰهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَ الْاَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ اَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَ قَاتَلَ اَوْلٰئِكَ اَعْظَمُ دَرَجَةً مِّنَ الَّذِيْنَ اَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَ قَاتَلُوا وَ كَلَّا وَعَدَ اللّٰهُ الْحُسْنٰى وَ اللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ». این آیه فنای ثروتمندان و تصاحب ثروتشان به دست میراث خواران و رفاه طلبی و غفلت

^۲. و دیگران را بر خویش ترجیح می‌دهند هر چند خود نیازمند باشند.

^۳. و در راه خدا با مال و جان خویش جهاد کنید.

^۱. دستت را به گردنت زنجیر مکن و بسیار [هم] گشاده‌دستی منما تا ملامت‌شده و حسرت‌زده بر جای مانی.

انفاق با دو صفت حکیم و عزیز را که مهمترین وجه مشترک سُور مسَبِّحات است به زیبایی فوق العاده تصویر نمایی می‌کند و می‌فرماید: «تا توانید از خدا بترسید و گوش فرا دارید و اطاعت کنید و به سود خود از مالتان انفاق کنید. و آنان که از حرص نفس خویش در امان مانده‌اند رستگارند» «... إِنَّ تَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعِفُهُ لَكُمْ...» (همان: ۵۱۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۳۲۳/۱۴).

این تعبیر عجیبی است که بارها در قرآن مجید در مورد «انفاق فی سبیل الله» تکرار شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش: ۲۴/۲۱۱). در آخرین سوره از سُور مسَبِّحات، آیه ۱۴ سوره اعلی، انفاق را وسیله پاکی از لوث تعلقات مادی دنیوی که آدمی را از آخرت منصرف کرده، ترسیم می‌کند. که این انفاق موجب تزکی و برگشتن به خدای تعالی است و به همین خاطر است که انفاق را به تونل و راه میان بر زیر زمینی معنا نموده‌اند که می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى».

بنابراین، مشاهده می‌شود که هنر در قرآن مبتنی بر اصل واحدی است و اگر تمامی آثار هنر اسلامی را همچون دایره‌ای فرض کنیم، همه این آثار بر مبنای مرکز واحدی قرار دارند. (اعوانی، ۱۳۶۶ش: ۸۵). قرآن کریم به عنوان متنی ادبی، در راستای هدفی متعالی، که همان هدایت و تربیت و رسیدن به حقیقت است، کوشیده است از تمام توانمندی‌های زبان عربی و البته برتر و فراتر از ساختار زبان عربی بهره‌گیری.

بحث و نتیجه‌گیری

روش هنری یکی از مهم‌ترین روش‌های رساندن مطلب به مخاطب می‌باشد که قرآن کریم با بهره‌گیری از این روش در اوج فصاحت و بلاغت توانسته است با آوردن انبوهی از تصاویر پیاپی در نواری متحرک، مخاطبان خود را به وجد آورد.

تغابن که یکی دیگر از سُور مسَبِّحات قرآن کریم است می‌فرماید: «إِنَّ تَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعِفُهُ لَكُمْ وَ يَغْفِرُ لَكُمْ...» (تغابن/۱۷). و لذا انفاق، قرض دادن به خداوند است و این بیان لطیف به آدمی این نکته را می‌آموزد که وی مالک این ثروت است و آن را انفاق می‌کند و حتی به پروردگارش قرض نیکو و بالنده می‌دهد. عنصر خیال از خلال این جناس لفظی می‌تواند حرکت بالنده و چند برابر شدن آن «يُضَاعَفُهُ وَ اَضَاعَافًا» و تصویر ذهنی ثروت و انواع آن و حرکت و رشد و تکثیر شدن آن را تصویر نماید.

این دو تصویر ثروت و فقر در بیان و بافت، در مقابل هم قرار می‌گیرند تا با تصویر «قرض دادن به خداوند» برای تقویت و رشد و توسعه‌ی آن در اندیشه و احساس آدمی ادامه یابند و آنگاه انسان را ترغیب می‌کند تا با قرض دادن به خداوند جان خود را از بخل ورزی پاک نماید (سیدی، ۱۳۸۷: ۱۴۰-۱۳۹). اگر فرمود «يُقْرِضُ اللَّهُ» در حقیقت «يُقْرِضُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» است، لذا مفعول واقع شدن الله به معنای تأکید و اهمیت قرض در مسیر رضایت حق تعالی است و این یکی از زیباترین جلوه‌های زبان شناسی در ادبیات عرب است. در آیه ۱۶ تغابن، انفاق را در ارتفاع بسیار بالا به تصویر می‌کشد و وصول به بالاترین درجه تقوا را متناسب با هر فردی در انفاق مال معنا می‌کند و حتی انفاق را درخشش از درون می‌داند «وَ أَنْفِقُوا خَيْرًا لِّأَنْفُسِكُمْ». و در آیه ۱۷، انفاق را در بهترین وجه معنا می‌بخشد و آن را قرض دادن به خدا معنا می‌کند؛ یعنی اینکه قرضی که بازگشت چند برابر آن به قرض دهنده حتمی است، و این بالاترین مرتبه ترغیب به انفاق هست و این آیه ارتباط

۱. اگر خدا را وامی نیکو دهید، آن را برای شما دو چندان می‌گرداند....

- سُورَ مَسْبَحَاتِ كِه سوره‌های اسراء، حشر، حدید، صف، جمعه، تغابن و اعلی را شامل است و به موضوعات متنوعی از پایه‌های اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی پرداخته است با تصویرگری هنری بسیار زیبا توانسته است معنی حقیقی نهال تسبیح و تحمید را با برجسته نمودن كمّیت و کیفیت تسبیح، تبیین جایگاه رفیع قرآن کریم و رسول اکرم(ص) و اهل بیت پیامبر(ص) و برجسته نمودن انفاق و نقش آن در تحقّق هدف آفرینش انسان جهت وصول به کمال واقعی در آینه دو صفت حکیم و عزیز، در جان و روح مخاطب غرس نماید و مخاطب را در فهم معانی بلند خویش همراه سازد و در تحقّق عینی سه بخش اصلی دین، یعنی اعتقاد و احکام و اخلاق نقشی ویژه ایفا نماید. البته جا دارد که محققین با غواصی عمیق تر در لایه‌های بعدی آیات این سُورَ به حقایق نهفته بیشتری نائل آیند.
- منابع
- ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر، چاپ سوم.
- ابن هشام، ابو محمد عبدالملک (۱۳۷۵ق)، *السیرة النبویة*، بیروت: دارالوفاق.
- ابوالفتح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق)، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
- پیری سبزواری، حسین (۱۳۸۰ش)، *از دیدگاه سید قطب: جلوه‌ای از اعجاز هنری قرآن*، نشریه: گلستان قرآن، شماره ۱۰۵، (صص ۱۸-۲۰).
- تجلیل، جلیل (۱۳۶۵ش)، *آشنایی با تصویر فنی: نمایش هنری در قرآن*، نشریه مشکوه، ش ۱۲ و ۱۳، ص ۱۶.
- جعفری، یعقوب (۱۳۸۱ش)، *سیمای امام علی(ع) در قرآن*، تهران: انتشارات اسوه، چاپ اول.
- حجتی، سید محمد باقر (۱۳۶۸ش)، *پژوهشی در تاریخ قرآن کریم*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خاتون قدمی، هاجر (۱۳۸۹ش)، *کارکرد تصویر هنری در قرآن*، نشریه کتاب ماه دین، ش ۱۵۰، ص ۵۱.
- راغب، عبدالسلام احمد (۱۳۸۷ش)، *کارکرد تصویر هنری در قرآن کریم*، ترجمه سید حسین سیدی، تهران: انتشارات سخن.
- رافعی، مصطفی صادق (۱۳۶۱ش)، *اعجاز قرآن و بلاغت محمد*، ترجمه عبدالحسین ابن الدین، تهران: بنیاد قرآن، چاپ دوم.
- زمخشری خوارزمی، ابو القاسم محمود بن عمر (۱۴۲۱ق)، *الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- سامرائی، فاضل صالح (۱۴۳۱ق)، *من اسرار البیان القرآنی*، عمان: دارالفکر.
- _____ (۱۴۳۱ق)، *لمسات بیانیه فی نصوص من التنزیل*، اردن: دار عمار للنشر والتوزیع.
- سعدی، محمد جواد (۱۳۸۸ش)، *نقش ذوق در اعجاز موسیقایی و هنری قرآن*، پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم (پیام جاویدان)، شماره ۲.
- سید رضی (۱۴۰۷ق)، *تلخیص البیان فی مجازات*

- القرآن، بیروت: دارالاضواء، چاپ اول.
- سیدی، سیدحسین (۱۳۸۷ش)، مؤلفه‌های تصویر هنری در قرآن، فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، شماره ۲۷.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۶۲ش)، مجمع البحرین، تهران: نشر مرتضوی، چاپ دوم.
- عظم، یوسف (۱۴۰۰ق)، رائد الفكر الاسلامی المعاصر الشہید سید قطب؛ حیاته و مدرسه و آثاره، بیروت: دارالقلم.
- قشیری، عبدالکریم بن ہوازن (بی تا)، لطائف الاشارات، مصر: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- قطب، سید (۱۳۸۹ ش)، تصویر سازی هنری در قرآن، ترجمه زاهد ویسی، سندج: انتشارات آراس.
- گلجانی امیرخیز، ایرج (۱۳۷۹ش)، هر سوره بسان مجموعه‌ای منظم، نشریه دانشکده الهیات مشهد، شماره ۴۹ و ۵۰.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول.